



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دست‌هایش حرکت سنت را سریع‌تر کرد

در گفتگویی با استاد سید محمدحسین آیت‌اللهی

تهیه و تنظیم: زهرا شاه‌شوازی، محبوبه آذرزاده

عکاس: ستاروزیری

شنیدن صدایش در اولین جمله‌ی اولین مکالمه تلفنی کافی بود تا بی‌صبرانه انتظار روز مصاحبه را بکشیم. انگار دفتر چیدمان هم اشتیاق ما را فهمیده بود و در میانه تابستان گرم هوایش را دلپذیر کرده بود تا استاد سید محمدحسین آیت‌اللهی با کوله باری از تجربه و فروتنی پله‌ها را طی کند و شوق دیدار را برآورد.

می‌دانستم که صداها همیشه با من صادق بوده‌اند ولی باورم نمی‌شد که گفتگویی بتواند این چنین ساده و بی‌ریا پرده از اسرار پارچه‌ای بردارد که تمام یزد را با آن می‌شناسند و حالا به جهان نیز معرفی شده است. باورم نمی‌شد که در برابر صورت مردی ۵۷ ساله بنشینم که با چشم‌ها و دست‌هایش سنت را چنان آرام و پدرا نه حرکت داده بود که همه تصور می‌کردیم این همه طرح و رنگ بافته‌های جدید ترمه از گذشته‌های دور می‌آیند.

خوانش این مکاشفه دوستانه را که در ۲۱ مرداد سال ۱۳۹۲ با حضور این استاد گرامی در دفتر چیدمان برگزار شد با شما در میان می‌گذاریم:

چیدمان: آقای آیت‌اللهی از شروع کارتان بگویید.

متولد یزد هستم همه دوران تحصیلی تا دیپلم را هم در سال ۱۳۵۱ از دانش‌سرا گرفتم و نقاشی را از ابتدایی به صورت خودجوش شروع کردم، استاد آکادمیک همان‌گونه که می‌دانید آن زمان نداشتیم گاهی معلمان هنر مدارس که اغلب هم هنری نبودند نقاشی‌ها را می‌دیدند گاهی درست و گاهی نادرست چیزهایی را می‌گفتند که در کل انگیزه‌ای برای کار بود. زمانی که در دانش‌سرا بودم قضیه جدی‌تر شد چون دانش‌سرا کلاسی را برای دانشجویان گذاشت وقتی که کارها را دیده بودند از من خواستند که درس بدهم. سال دوم که آمدم دانش‌سرا، به بچه‌های سال اول نقاشی را درس می‌دادم چون کسی را نداشتند کلاس خودمان را نیز خودم درس می‌دادم و در آخر سال نمره درسی خودم را مانده بودند که چگونه بدهند. بعد از سال ۵۱ و گذراندن دوره دانش‌سرا و دوران خدمت، تا سال ۵۶ تهران بودم. یعنی هم دوره سربازی را می‌گذراندم و هم در یک

گالری کار می‌کردم. در کاخ جوانان آن زمان که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان فعلی است، نقاشی تدریس می‌کردم. کاخ جوانان آن زمان نامش باغ صبا بود که الان استودیوی صدا و سیما شده است. یادم هست که همه شاگردانم از خودم بزرگتر بودند و خنده‌دار بود که جلسات اول، دوم که رفته بودم برای تدریس خجالت می‌کشیدم که بروم دفتر معلمان، چون همه مسن و اساتید رشته‌های مختلف و بزرگ بودند. خانم دکتر معین مدیر آن مرکز ضمانت من را کرد که آنجا درس بدهم چون هنوز ازدواج نکرده بودم و مرکز هم دخترانه بود و آن زمان قانون به این صورت بود که مرد مجرد نمی‌توانست آنجا درس بدهد. در این دوره مقداری کار حرفه‌ای انجام دادم علاوه بر اینکه با تدریس نیز آشنا بودم. سال ۵۶ به‌عنوان معلم استخدام آموزش و پرورش یزد شدم. منتهی هیچ‌وقت معلم معمولی دبستان یا راهنمایی نبودم و گفتند چون معلم هنر نداریم شما هنر را درس بدهید. برحسب اجبار برای مدرک که استفاده شود، فوق

دیپلم را در زمینه دینی و عربی به صورت ضمن خدمت خواندم و تا سال ۶۱ به همین صورت هنر را برای تدریس ادامه می‌دادم. سال ۶۱ دوره تربیت مدرس در دانشگاه تهران توسط آقای پرورش برگزار شد برای کسانی که کار را عملی بلد بودند ولی مدرک آکادمیک نداشتند. هدفشان این بود که یک سری مدرس برای دانشگاه‌ها و مراکز تربیت معلم و آموزشگاه‌ها تربیت کنند. این دوره را در رشته نقاشی با درجه عالی پشت سر گذاشتم. از سراسر ایران ۱۵ نفر بودیم که در کلاس‌های رشته نقاشی شرکت کردیم. بعد از این دوره سال ۸۳ جاهای مختلفی مثل تربیت معلم و آموزشگاه‌ها تدریس کردم.

چیدمان: چه شد که وارد عرصه طراحی و بافت ترمه شدید؟

طراحی پارچه را از سال‌های ۶۵، ۶۶ شروع کردم یعنی مواردی پیش آمد که یکی دوتا کار به من مراجعه شد و بعد از اینکه زمینه کار را دیدم از آن خوشم آمد و شروع به کار کردم از سال ۶۵ تا ۷۰ به طور جدی این کار را انجام نمی‌دادم. طراحی بافت پارچه (که اکنون ۹۰٪ پارچه‌هایمان بافت پارچه است و حدود ۱۰٪ چاپ را داریم) بود که در آن زمان بیشتر مراجعات ما بافت ترمه بود و یک کارخانه‌ای بود که جدید احداث شده بود و شروع به کار کرده بود و یک طرح مناسب و مدون به روز را نداشتند و جمله‌ای که اولین بار یکی از سهامداران آن کارخانه به من گفت: می‌خواهیم ترمه را از حالت پارچه روی قبر بیرون آوریم و حاضرم که شما هر کاری را که می‌گویید انجام دهم و هر طوری که شما می‌گویید عمل کنم. تا سال ۸۸ طرح ترمه می‌زدیم بعد از آن به خاطر بیماری قلبی ام یک وقفه در کارم به وجود آمد. طی این مدت تقریباً تمام طرح‌های ترمه را من می‌زدیم چون در آن زمان طراحی ترمه بیشتر دستی بود و نقشه‌ها هم بر روی کاغذ شطرنجی کار می‌شد و به علت محاسبات خیلی دقیقی که نیاز داشت کسی حوصله آن را نداشت. خیلی‌ها آمدند پیش من که کار را یاد بگیرند تعدادی کار که می‌زدند،

می‌رفتند و می‌گفتند که نمی‌توانند.

از سال ۷۰ کار را به صورت جدی‌تر و وسیع‌تر شروع کردیم و از نرم‌افزار استفاده کردیم نرم‌افزارها گزینه PHOTO STAILER را داشت که می‌شد به سختی با آن کار کرد و ایراد آن توسط دکتر نخ‌کش در دانشگاه حل شد. از آن نرم‌افزار تا چندین سال استفاده می‌کردیم و تقریباً اولین جایی بود که کار



بدین شیوه انجام می‌شد و تولید پارچه به این شکل ادامه پیدا کرد. ۹۰٪ ترمه بود و موتیف‌هایی که بیشتر برای پرده استفاده می‌کردند به این طریق بافت می‌شد و پارچه‌های مبلی نیز همه به صورت بافت بود که طراحی آن را انجام می‌دادیم. بعد با آمدن نرم‌افزارهای جدید به مرور زمان شرکت‌های مختلف و طرح‌های مختلف ایجاد شد. اما به غیر از یکی دو نفر مابقی اپراتور کامپیوتر هستند. از یکی از دوستان در نمایشگاهی که اخیراً برگزار شده بود سوال کردم که الان هم کار ترمه می‌کنید یا قطعیت جواب داد: بله، گفتم: چگونه؟ گفت: کاری که شما ۲۰ سال برای ما جا گذاشته‌اید ما تا ۵۰ سال دیگر داریم و با تغییر جزئی و جابه‌جایی طرح و گل بافت تولید می‌کنیم.

اکنون هم به علت بیماری که برایم پیش آمد کارم را کم کرده‌ام ولی هم طراحی پارچه و هم کلاس رنگ روغن را در حد یکی دو جلسه در هفته حفظ کرده‌ام و انجام می‌دهم. در زمینه ترمه، فرش و گلیم، طراحی پارچه و چاپ هم نیز

انجام می‌دهم. چاپ در حال حاضر ۹۹٪ کپی است و از گل‌ها و تصاویر طبیعی به اصطلاح معروف خودشان فتوشاپی می‌کنند و می‌بافند. رنگ‌ها را تفکیک رنگ و چاپ می‌کنند و نیاز چندانی به طرح ندارند و افرادی که آشنایی جزئی با نرم‌افزار فتوشاپ یا بویا داشته باشند می‌توانند این کار را انجام دهند و کار خیلی سختی نیست. بافت مشکل‌تر است که یک سری محاسبات دارد و متأسفانه در حدود ۶۰ الی ۷۰ درصد کارهایی که در بازار وجود دارد نیز کپی است.

چیدمان: تخصص شما بیشتر در زمینه بافت است یا طراحی زمینه چاپ؟

تخصصی‌تر در زمینه بافت است و طرح فرش و گلیم را بیشتر کار کرده‌ام. در فرش و گلیم خیلی مشکل نداشتیم چون زمینه قبلی داشت و زمینه قدیمی فرش‌های دستی بود ولی در ترمه ما چیزی نداشتیم و چیزی که بود همان موتیف‌های قدیمی بود و آن‌ها نیز طوری شده بود که دیگر کسی از آن استفاده نمی‌کرد. دو کاری که انجام دادم به‌عنوان ویژگی کار در زمینه ترمه، یکی این بود که ناچار بودم طرح‌ها را عوض کنم و در عین حال به‌گونه‌ای تغییر را لحاظ کنم که بازار پذیرای آن باشد و نگویند که ترمه نیست. از طرفی دیگر در رنگ تغییراتی اعمال کنیم که رنگ از آن حالتی که حتماً باید زمینه مشکی باشد یا باید زمینه زرشکی داشته باشد و یا حتماً در آن سبز به کار رفته باشد و خیلی‌ها می‌خواستند که چیزی غیر از این را شاهد باشند. الان در دنیا طراحان حرفه‌ای شاید زمان بیشتری از اینکه کار می‌کنند، می‌روند در بین مردم و خواسته‌ها و نیازها و ذائقه مردم را بررسی می‌کنند که مردم چه دوست دارند و چه بیشتر مورد پسندشان است؟

من یادم هست که خیلی سال پیش به جایی مراجعه می‌کردم که طراح داشت و طراحی چاپ بود، عصرها که می‌شد همیشه می‌آمد در فروشگاه مرکزی آن شرکت و یک گوشه‌ای می‌ایستاد و به اینکه اکثر مشتریان کدام طرح و پارچه را می‌پسندند، توجه می‌کرد. در زمینه طراحی پارچه



چون طرف ما مشتری است باید کاری کنیم که عین حال که کارخانه دار راضی است مشتری هم که می خواهد آن را بخرد ذائقه اش را عوض کنیم که بفهمد چیزی را که آن ها می خواستند و این پارچه روی قبر نیست و این کار را انجام دادیم و تغییراتی در طرح و رنگ ترمه ایجاد کردیم.

چیدمان: در صحبت هایتان گفتید که سال های ۶۴ و ۶۵ وارد عرصه طراحی پارچه و طراحی بافت شدید، با توجه به سابقه ای که در زمینه نقاشی داشتید و تقریباً فعال ترین سال هایتان همان دهه ۷۰ الی ۸۰ است، اگر بخواهیم ویژگی های فنی کار را در این دوره ۲۰ ساله توضیح دهید، چه خواهد بود؟

قبلاً طرح ترمه ای که کار می شد فقط سه سایز خاص داشت، یکی سایز خیلی کوچک به اصطلاح به آن می گفتند بادامچه و اندازه آن بین ۲ الی ۲/۵ سانتی متر بود. سایز دیگری بین ۵ الی ۶ سانتی متر که معمولی بود و اصطلاحاً به آن بته جقه می گفتند و دیگر بته امیری بود که درشت تر بود و در سایز ۷ الی ۸ سانتی متر است. ما اولین کاری که کردیم گفتیم می آیم و این سایز را بهم می زنیم و همه سایزی تولید می کنیم و دومین کاری که شد ترمه هایی که موجود بود فقط چیدمان آن با یک روش خاص بود یعنی یک سری در پایین پارچه سرها به سمت راست و در بالای پارچه سرهای بته ها به سمت چپ بود و این نظم را بهم ریختیم و چیدمان های مختلفی برای آن ایجاد کردیم. زمینه های کار فقط فرم های خاصی بود که چیزهای مبهمی بود از موتیف های قدیمی که یا در فرش استفاده شده بود و یا در طرح های کاشی کاری ما بود از آن استفاده کرده بودند. ما در این طرح ها و نقش ها، طرح هایی از طبیعت را لحاظ کردیم ولی حتی گاهی در ترمه از پرند و گل و پروانه ... استفاده کردیم و حتی طرحی را زدیم که اماکن معروف تاریخی جهان در اطراف طرح به عنوان قاب حاشیه استفاده شده بود و نقش مایه اصلی آن بته جقه بود. طرح هایی مثل برج

ایفل، اهرام مصر و اماکن تاریخی جهان را طراحی کرده بودیم، تا جهانیان نیز بدانند بناهای تاریخی آن ها نیز برای ما مهم است. به این شکل طرح ها را عوض کردیم ولی خیلی سخت بود. مثل اینکه به کسی بگویی نماز صبح باید ۵ رکعت خوانده شود و حرف و سخن هایی بود که می گفتند آیت الهی دارد ترمه را از بین می برد و



این دارد فلان می کند و این ها دیگر ترمه نیست و حرف هایی از این دست. اما در ظرف ۴ الی ۵ سال متوجه شدند که چه اتفاقی افتاده است و کارخانه ها با افزایش تعداد دستگاه های بافندگی مواجه شدند و فروش پارچه بالا رفت و سفارش کار از خارج و کشورهای مختلف دریافت می کردند و متوجه تغییرات و استقبال بیش از اندازه از اطراف شدند و بعضی ها که به اصطلاح تحصیل کرده بودند متوجه شدند که قضیه چه است. بعضی ها هم فکر می کردند که بازار، رونق اقتصادی گرفته است ولی آن هایی که متوجه بودند اتفاقاً سال گذشته مصاحبه ای با یکی از آن ها شده بود در شبکه جام جم و گفته بود که آیت الهی ترمه را زنده کرد و این اصطلاحی بود که از زبان کارخانه داران شنیده شد و واقعاً هم به این شکل بود مثلاً چند وقت پیش یکی از مجموعه های پوآرا را می دیدم، دیدم کراوات او ترمه است (ترمه بافته شده). مقداری سفارش طراحی ترمه از هند نیز داشتم که برای کراوات سفارش دادند. چند تا از سفارش از آمریکا و هتل های مختلف منویل و ... یعنی

به نوعی طراحی جدید ما در دنیا معرفی می شد و کاری بود که در ظرف دهه ۷۰ یا کامل تر بگویم دهه ۸۰ انجام شد البته در دهه ۸۰ اتفاق مهم تری نیز از آن طرف قضیه افتاد که دستگاه های جدیدی وارد بازار شد که قبلاً ما در عرض پارچه ای که طراحی می کردیم خیلی در مضیقه بودیم یعنی تا سال ۷۸ الی ۷۹ حداکثر عرضی که برای سیکل تکراری داشتیم ۱۳ سانتی متر بود که با ورود دستگاه های جدید با ژاکاردهای بزرگتر طراحی خیلی راحت تر شد. الان خوشبختانه اگر ترمه را ببینید دیگر محدودیت از نظر طرح و رنگ ندارد. البته رنگ آن را آقای هاشمی بیشتر استقبال و همت کرد. وقتی می گفتم ممکن است بعضی از رنگ ها نباشد چون ابریشم است ولی ایشان می گفت: شما رنگ را بگو، من از هر کجا که شده آن را پیدا می کنم. قدیم فقط قرمز، سبز و مشکی و زرد مایل به نارنجی بود، سبز گاهی در کارها بود و گاهی نبود و زمان هایی که بود مقداری بی رویه بود. رنگ های دیگر را نداشتند و وقتی می خواستند جابه جا کنند مجبور بودند یکی از این ها را حذف کنند و قابلیت عوض کردن آن به راحتی امکان پذیر نبود و به مرور رنگ را اضافه کردیم که پنج رنگ شد و بعد شش رنگ و ... تا این اواخر که (پنج سال پیش) طرح ۱۱ رنگ را زدیم. ویژگی آن این است که این ۱۱ رنگ باید در تمام رج های بافت وجود داشته باشد و این مشکل بزرگی برای بافت پارچه است و این حداکثر رنگی بود که می توانستیم بزنیم. البته بعضی از فروشگاه ها به عنوان ۱۲ رنگ می فروختند که وقتی از ایشان سوال می کردیم که چگونه ۱۲ رنگ بافته اید در صورتی که ما ۱۱ رنگ طراحی کرده ایم!!! می گفتند: یکی هم تار آن را حساب کرده ایم در صورتی که تار جزء رنگ نیست. این هم یکی از خصوصیات بود که توی ترمه تغییرات به وجود آمد در این دهه و تعداد رنگ ها بالا رفت و طبیعتاً ذائقه رنگ ها عوض شده است. بیشتر رنگ های شاد و روشن کار می شود و گاهی توی کاتالوگ های رنگی شان با ۳۰ الی ۴۰ رنگ بندی مختلف بافت می شد که

مطابق با سلیقه افراد کار می‌شد. در زمینه فرش هم کاری انجام شد که برای بافندگان قابل قبول نبود و آن را نپذیرفتند. و بعد که بافت‌های جدید رنگی برایشان به وجود آوردیم و چون برای آن‌ها وزن کار مهم بود که گلیم فرش‌هایی که بافت می‌شد وزن آن به‌عنوان مثال از ۸ کیلو بیشتر نشود وقتی که این بافت‌ها را می‌خواستیم اجرا کنیم خیلی رنگ‌ها متفاوت می‌شد ولی تقریباً یک کیلو فرق آن بود و این یک کیلو تقریباً ۴۰۰۰ تومان (به پول آن دهه) قیمت نخ آن متفاوت بود و آن‌ها زیر بار اجرای این طرح‌ها نمی‌رفتند که این کار را انجام دهند به همین علت پیشرفتی که در ترمه حاصل شد در فرش شاهد آن نبودیم و در آن زمان کشورهای دیگر در زمینه فرش از ما جلو زدند و بعدها تولیدکنندگان یزد پی به اشتباه خود بردند و بعضی‌ها آن را جبران کردند و در زمینه گلیم که الان تقریباً دیگر در هیچ کجای دنیا آن را نداریم و گلیم فرش‌های نازک است که همین جا در یزد بافت می‌شود و اخیراً سیستم جدیدتری از آن زده‌ایم که پشت آن لمینیشن می‌شود (حالت نهدی است که جمع نمی‌شود) و سازه‌های کوچک آن خیلی استقبال شده است و طرح‌های فانتزی آن خیلی تولید می‌شود و الان به جایی رسیده‌ایم که شخصیت‌های کارتونی را طراحی می‌کنیم و روی گلیم بافت می‌شود و من به نوبه خود سعی کرده‌ام که اسکلت کلی هنر اولیه ایرانی در بافت‌ها و طرح‌هایم به نوعی حفظ شود و مشخص شود که برند ایرانی است و معلوم شود که از کجاست. خوشبختانه توی هنر بافت مشکل چندانی کارخانجات ما ندارند و با این وضعیتی که در بازار نساجی وجود دارد صادرات برای بعضی از کشورهای عربی و... انجام می‌شود و به‌خاطر زمینه و تنوع کاری که وجود دارد و قیمت‌ها مناسب است مشکل بحران اقتصادی زیاد بر روی آن‌ها اثر نگذاشته است. زمینه‌های دیگری که برای چاپ داریم مثل پارچه‌های مبلی یا پرده‌ای چون سیکل کار خیلی کوچک و تکرار شونده است و خیلی‌ها طرح‌های خاصی را می‌خواهند که بیشتر کپی می‌کنند

و تاجر می‌آید طرح را سفارش می‌دهد و حتی حاضر نیست که تغییر جزئی در آن ایجاد کند حتی طرح‌هایی برایش زده‌ایم و به او پیشنهاد داده‌ایم با اینکه طرح‌ها را حتی خودش و تاجر دیگر پسندیده‌اند و مورد تأییدشان بوده ولی می‌گویند همان طرح خارجی را می‌خواهیم بافت کنیم. هر سال نمایشگاه‌های بین‌المللی برگزار می‌شود که با شرکت در این نمایشگاه‌ها تعدادی طرح‌ها و سی‌دی‌ها و کاتالوگ‌های خاص آن شرکت‌ها (خارجی) را برای فروش می‌آورند و به دست یک سری بافنده و تاجر می‌رسد و فارغ از اینکه طرح‌ها با ذائقه ایرانی، با فرهنگ ایرانی و با نوع بافتی که ما می‌بافیم هماهنگی دارد یا نه آن طرح‌ها را می‌بافند و حتی بعضی مواقع شاهد پارچه‌های غلط‌باف هستیم و همین‌که بگویند این پارچه ترک است برای آن‌ها کافی است در صورتی که آن طرف قضیه ترکی که از آن تعریف می‌کنیم خودش این مورد را قبول ندارد و حدود ۱۳ الی ۱۴ سال پیش تاجر تبریزی پیش ما آمده بود و مطرح می‌کرد که می‌خواهد طرح را ببرد ترکیه و در آنجا بافت بزند گفتم برای چه؟ گفت: برای رومبلی. گفتم: رومبلی را از اینجا می‌بری ترکیه آنجا بافت بزنی؟! گفت: رفته‌ام ترکیه و در کارخانه وفاتکس مسئول طراحی‌اش به من گفته است که معلوم نیست طرحی که ما اینجا می‌زنیم مردم ایران آن را پسندند یا نه؟ اگر می‌توانی طرح را از ایران بیاوری ما برایت طرح را می‌زنیم ولی متأسفانه خودمان در اینجا همین‌که نام ترک روی پارچه منظور شود برایمان کافی است و هنوز هم داریم کارخانه‌ای که ۸ طراح دارد و ۸ نفر دارند کپی کاری می‌کنند و دائم طرح از آلمان و ترکیه و... می‌آید و طرح را از روی پارچه اسکن می‌کنند و با کمی روتوش آن طرح را می‌بافند.

چیدمان: فکر می‌کنید کارهایی که در زمینه طراحی بافت در یزد انجام می‌شود قابل رقابت با دیگر شهرهای کشور یا کشورهای دیگر است؟

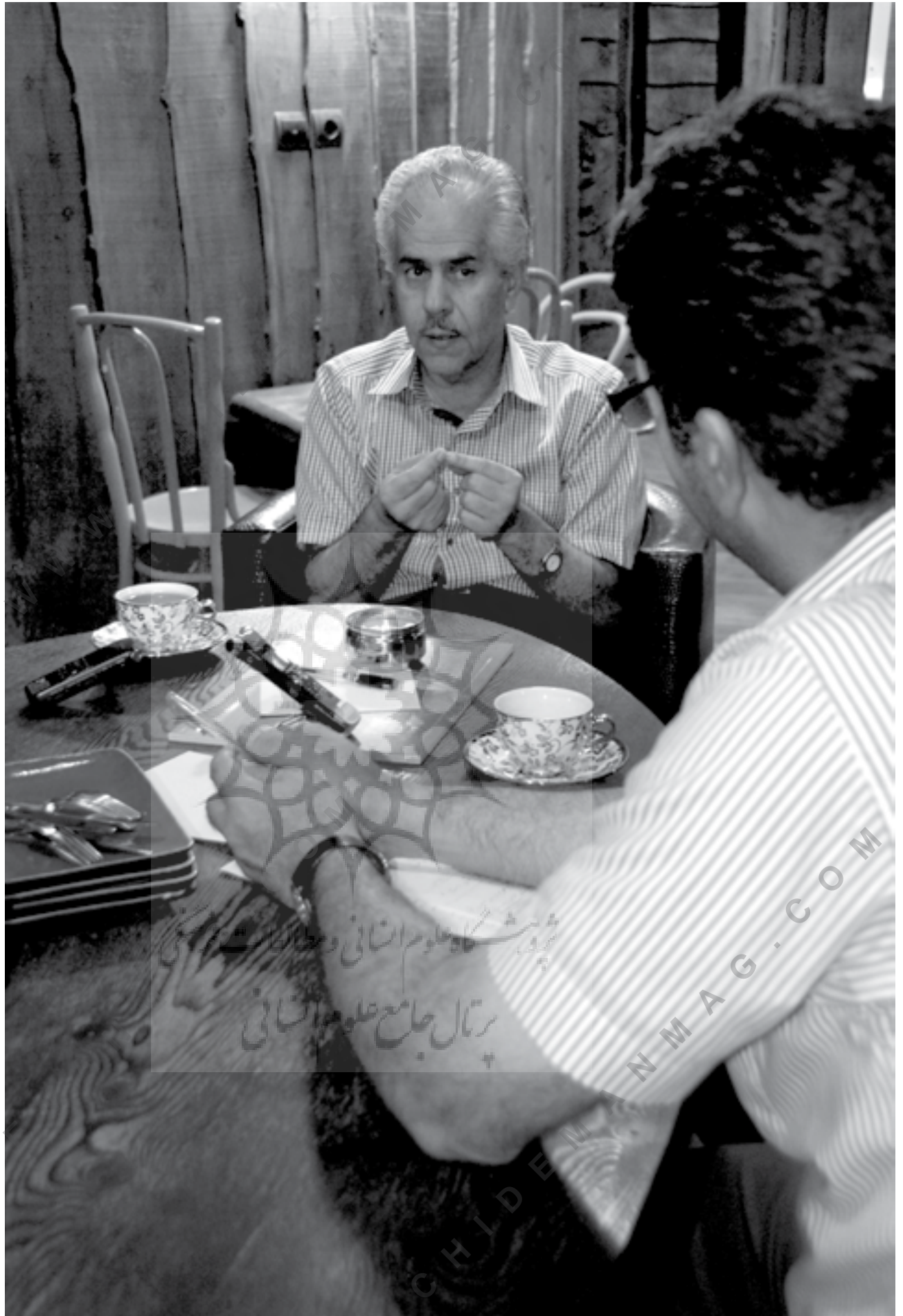
مشکلی که در بافت ترمه داریم قدرت

مانور ما را در طراحی اش می‌گیرد و این چیزی است که رقابت‌پذیری آن را پایین آورده و کاری برای حل آن نمی‌شود کرد که هر چند اقداماتی انجام شده ولی بافندگان زیاد مایل نبودند و استقبال نکردند و آن مشکل نخ‌های پشت‌ریز پارچه ترمه است. این نخ‌های آویزی باعث می‌شود پارچه قابل استفاده برای همه کاری نباشد. یعنی ترمه حتماً باید با آستر باشد. ولی این را بگویم طرح‌هایی را که ما برای ترمه زده‌ایم عده‌ای دیگر عین همین طرح را برداشته‌اند و بر روی پارچه معمولی و بافت پارچه معمولی استفاده کرده‌اند.

چیدمان: کارهایی که در یزد بافت می‌شود چه ویژگی داشته که کار تولید را ماندگار کرده است؟

من فکر می‌کنم که طرح مورد پسند عامه مردم بوده البته همه طرحی نه، طرح‌هایی که بته جقه آن یک کمپوزیسیون خاصی داشته است. از قدیم زمانی که ما درس می‌خواندیم می‌گفتیم کمپوزیسیون یک چیزی است که خارجی‌ها می‌گویند و ما هم در کتاب‌ها می‌نویسیم و هیچ‌کدام از اینها آموختنی نیست و فطری است یعنی یک انسان وقتی یک کمپوزیسیون زیبا را می‌بیند با هر سطح تحصیلاتی که باشد از آن خوشش می‌آید و اصلاً نقطه طلایی و آفساید را هم نمی‌داند ولی به‌طور ناخودآگاه از آن خوشش می‌آید و موتیف اصلی ترمه یعنی ترمه‌های اصل، فرمی دارد که به‌طور ناخودآگاه دوست داشتنی است. اگر بخواهیم بگوئیم از نظر جنس بوده است، خُب اینجا با ابریشم بافته می‌شده و انگلیسی‌ها این کار را از ما تقلید کرده‌اند و با کرک بافته‌اند. پس جنس نبوده است اگر بخواهیم که چیز خاصی از یزد در آن بوده که این چنین نبوده و چیزی که هویت یزدی بودن را بیان کند در آن نیست و قدیم این کار در کرمان هم بافت می‌شده است و به مرور زمان از بین رفته است و یک سری در کشمیر هم بوده است که البته نوع آن با بافت ترمه فرق دارد و آن را می‌دوزند و شبیه سوزن‌دوزی بلوچ‌های ما می‌شده است. من کار دقیق قدیمی‌شان





پیشگاه علوم انسانی و معارف اسلامی
پرتال جامع علوم انسانی

WWW.CHIDEMANMAG.COM

WWW.CHIDEMANMAG.COM

WWW.CHIDEMANMAG.COM

را نیز دیده‌ام و با یک وسواس خاصی شبیه کوبلن یعنی نخ‌ها را کنار هم، کنار هم می‌دوخته‌اند و تاروپود نداشته و اصل پارچه، پارچهٔ یک‌رنگ است و آن ویژگی که نخ‌های پشت آن آزاد باشد را نداشته است.

ترمه‌های قدیم، با آن مشکلی که مطرح شد در قدیم افرادی که آن را با دست می‌بافتند و جاهایی که پشت ریزهای خیلی طولانی داشت آن‌ها می‌دادند به شاگردها و می‌چیدند و گره می‌زدند چون اگر چیده شود و گره زده نشود که پارچه تاروپود آن از هم متلاشی می‌شد به همین علت آن را گره می‌زدند. یک کاری به من مراجعه شد معروف بود به ترمهٔ شیمیایی. شخصی که آن را می‌بافته به نام شیمیایی بوده که به این نام معروف شده است. تمام این کار گره‌گره بود، شاید یک سجادهٔ یک متر در ۷۰ سانت چند میلیون گره در پشت آن بود.

در یک بازه زمانی از پارچهٔ ترمه برای پارچهٔ مبلی استفاده می‌کردند ولی به علت همین نخ‌های آویزان در پشت آن چون مبل دارای چوب و فلز بود با هر نشست و برخاست روی آن، نخ‌ها کشیده می‌شد و پارچهٔ مبلی خراب می‌شد. یادم است که تهران یک بار برای اولین دوره می‌خواست که ترمه را پارچهٔ رویهٔ مبلی کند و این فکر به ذهنم رسید که تکه‌ای از پارچه را لایی چسب یا همان آهار سابق چسباندم در این صورت قابل استفاده شد هر چند که با وجود لایی چسب آن نرمی پارچهٔ ترمه و ابریشم از بین می‌رفت و حالت آهار به خود می‌گرفت. مشکل دیگری که پارچهٔ ترمه دارد اینست که بافت ترمه سرزده بافت است. یعنی یکی رنگ اضافه در آن هست و هر سه رنگ اصلی که استفاده می‌شود یکی رنگ به‌عنوان سرزده در آن بافته می‌شود که بافت‌ها را نگه می‌دارد. حالا به اصطلاح جدید در نساجی به آن ملانژ می‌گویند منتها الان در نساجی ملانژها را نخ‌های بی‌رنگ در نظر می‌گیرند و قدیم مرسوم بوده است که از رنگ خود تار استفاده می‌کردند. این هم رنگی را انتخاب می‌کردیم به نوعی به هم می‌ریخت یعنی یک جایی می‌خواهیم از قرمز استفاده کنیم

ولی مشکلی‌ای که در کار می‌آید قرمز را به هم می‌زند و قرمز دیگر آن قرمز نیست. یعنی خیلی باید حواسمان باشد که سبزی که داریم با مشکلی قرارست چه شود؟ زردی که داریم با مشکلی چه درخواهد آمد؟ و... پارچهٔ ترمه این مشکلات را دارد ولی با همهٔ مشکلاتی که دارد طرح آن جهانی شده است و همه از آن استفاده می‌کنند و این مشکلاتی که مطرح شد از ویژگی‌های ترمه است که آن را در دنیا مطرح کرده است ولی مشکلاتی است که طرح با آن درگیر است و به نوعی برای طراح مشکل ایجاد می‌کند و در دنیا اصلاً بافت سرزده را نداریم یعنی حتی این ماشین‌های جدید ۱۱ رنگ که تمام اتوماتیک همه چیز آن دیجیتال است، آمده، بر روی آن برنامه‌ریزی شده است و ویژگی سه تا یکی سرزده را دارد.

طرح ترمهٔ ما را کپی کرده‌اند توی عربستان هم‌سرم به من گفت: ببین اینجا ترمه‌فروشی زده‌اند و ترمه‌ات هم اینجا آویزان است، وقتی دیدم گفتم: این رنگ را کسی نمی‌بافت و این اصلاً بافت نیست وقتی نزدیک آن شدم دیدم پانلی که برای رومیزی در ابعاد ۱×۱ زده‌ایم را اسکن کرده‌اند و دقیقاً روی پارچه چاپ نموده‌اند و کپی شده بود حتی پارچه‌های لباس زنانه را دیدم که طرح ترمه در آن منظور شده بود. پاکستان اخیراً عجیب روی آورده است به این قضیه که رومیزی‌ها و روتختی‌های جدیدی با طرح ترمه زده است و همه جا خیلی استقبال می‌شود و فیلم‌های خارجی را می‌بینی که روی میز آن‌ها از طرح‌های ترمه که مطمئناً چاپ است، استفاده شده است بیشتر طرح است که مورد استقبال قرار گرفته است و استفاده می‌شود. در موتیف‌های قدیمی طرح‌هایی داریم به نام طرح‌های شکسته که به قول امروزی طرح‌های هندسی گفته می‌شود که اگر خواسته باشیم به نوعی با سبک‌های خود آن را تطبیق دهیم به سبک کویسم شبیه است و اصلاً در ترمهٔ قدیمی همیشه این انحنا بود و شکسته وجود نداشته است اگر شکستگی داشته شکستگی در اثر اشتباه بوده است چون نقش‌های قدیمی ترمه کاغذی نبوده و حفظی و ذهنی بوده

و بافنده می‌رفته بالای کار می‌نشسته و یک چوب‌های شبیه هفت داشته که می‌کشیده بالا و انتخاب می‌کرده که گاهی از مواقع ممکن بوده است که اشتباه کند و شکستگی به صورت ناخواسته ایجاد می‌شده است و به آن غلط باف می‌گفتند و چون این غلط باف به حالت هندسی نزدیک بود خیلی‌ها آن را می‌پسندیدند. زمانی یکی از تجار بزرگ فرش مراجعه کرده بود و می‌گفت: یک نقشهٔ غلط برای من بکش گفتم: یعنی چه؟ گفت: من نمی‌خواهم که گل‌ها به هم وصل باشد و سر و ته گل‌ها نظم داشته باشد، گفتم: حُب بگو بافنده غلط برایت بیافد گفت: اینکه شدنی نیست او که نقشه می‌خواهد شما اگر می‌شود غلط بکشید که این شکستگی را خارجی‌ها خیلی می‌پسندند. خارجی‌ها هندسی را بیشتر می‌پسندند البته هندسی که اصولی اجرا شده باشد بعضی‌ها آمده‌اند بته را هندسی کرده‌اند و دیگر بته نیست و چیزی دیگر شده است و شبیه بته نیست و فقط یک شکم دارد و بعد هم یک نخ می‌آید.

چیدمان: سفارش کار به شما چگونه است؟

عموماً سفارش کار به این صورت است که می‌گویند برای این سایز ژاکارد این کار می‌خواهم. البته تعداد رنگشان و مشخصات دستگاهشان چون هر کدام متفاوت است و بعضی دستگاه‌ها توان چهار رنگ، بعضی توان پنج رنگ و... را دارد، به ما می‌گویند و چون اغلب در حوزه طرح وارد نیستند در این خصوص نظر نمی‌دهند و ما برایشان طرح را می‌زنیم. اما در بخش فرش و گلیم فرش، مقداری نظر می‌دهند چون تنوع آن به صورت شاخه‌شاخه است مثل کف ساده، طرح فرنگی، ایرانی، شکسته و...

چیدمان: نظرتان در مورد آموزش هنر طراحی ترمه چیست؟

دو مورد بزرگ در این زمینه است یکی اینکه آن زمانی که کار خیلی فراوان بود و درآمد آن نسبتاً خوب بود به خاطر حوصلهٔ زیادی که می‌طلبید کسی زیاد



خواهان انجام این کار نبود و چندین نفر من خواستم که با آنها همکاری کنم ولی در اواسط کار جا گذاشتند و رفتند. اکنون به گونه‌ای شده است که همه می‌خواهند شاگرد شوند ولی متأسفانه می‌خواهند کپی کنند و اصول کار را با نرم‌افزار یاد بگیرند و خواهان یادگیری طراحی نیست اینک چگونه طرح را می‌بریم روی کامپیوتر و چگونه رنگ می‌کنیم و چگونه ارائه می‌دهیم و اصلاً کار به چگونگی طراحی آن ندارند و می‌خواهند که کار دستشان بیاید و بروند کار کنند و به همین علت است که تاکنون آموزش آن میسر نشده است و تنها دخترم است که در این زمینه کار می‌کند. البته بیشتر در چرخه پارچه‌های مبلی، چون تنوع کار بیشتر است و درآمد بیشتر دارد. طرح کوچک است و خیلی زود به نتیجه می‌رسد. ترمه چون تراکم کارش خیلی سنگین است و بافت ترمه هر سانتیمتر ۲۰۰ نخ است یعنی برای هر سانتیمتر کار اگر به‌عنوان مثال ۵ رنگ کار می‌شود باید برای هر سانتیمتر چیزی حدود ۸۰ پیکسل کار شود و برای پانلی که ۱۰۰ سانتیمتر است حال محاسبه کنید چند هزار پیکسل باید کار شود. من اوایلی که نرم‌افزار AAT آمده بود می‌خواستم آن را تهیه کنم مهندس امین به من گفتند که این نرم‌افزار برای شما که ترمه کار می‌کنی در اجرا هنگ می‌کند. کار ما به شیوه‌ای است که حتی خیلی از برنامه‌های رایانه‌ای جوابگوی آن نیست و یکی از علت‌هایی که کسی در این زمینه کار نمی‌کند همین است چون خیلی حوصله‌بر است. بعضی از دوستان در این زمینه با سیستم و شیوه جدید کار می‌کنند یعنی می‌آیند کار را با گوآش و آکرلیک روی کاغذ سفید اجرا می‌کند و آن را اسکن می‌کنند و بعد با نرم‌افزار پیکسل روی آن می‌ریزند یعنی اصلاً طراحی به آن شکل انجام نمی‌دهند.

چیدمان: خودتان برنامه‌ای و ایده‌ای جدید دارید که هنوز کار طراحی بافت اجرا نشده باشد؟

طبیعتاً وقتی آدم طراحی می‌کند یک فکرهایی دارد اما به دلیل حجم بالای کار

توان کاری‌ام نسبت به قبل کم شده است. در حال حاضر طرح‌هایی برای اجرا دارم و عرض تکرار آن تقریباً یک متر بوده است. شروع کرده‌ام به طراحی ای که به اصطلاح ترمه بی سر و ته است. یعنی این پارچه را از هر طرف که پهن کنی ابتدا و انتهای کار مشخص نیست. مقداری طراحی مدادی آن را انجام داده‌ام ولی حجم کار بالاست و باید بنشینم کامل کنم و رنگ کنم. فعلاً تا الان انجام نشده است و نیمه کاره مانده است. مخصوصاً اخیراً به علت عمل جراحی چشم یک ساعت کار می‌کنم و بعد چشمم خسته می‌شود و این می‌شود که کار طول می‌کشد.

چیدمان: انسان همیشه این ذهنیت را دارد که در افق بلند و آینده‌اش چه اتفاقی می‌افتد، فکر می‌کنید آینده‌اش یزد در زمینه ترمه چه خواهد بود؟ یا چه قابلیت‌هایی این ترمه دارد که می‌توان در آینده آن را گسترش داد؟

ترمه و تکنولوژی که در حال حاضر وجود دارد نشان داده است که در این ۲۰ سال اخیر لااقل قابلیت پیشرفت را دارد ولی من نمی‌توانم بگویم که حتماً پیشرفت خواهد کرد.

چون در این ۲۰ سال کارخانه‌هایی رادیده‌ام که درجا زده‌اند و چند نفر بوده‌اند که در این زمینه پیشرو بوده‌اند و خواسته‌اند که کار را پیش ببرند و گسترش و تکامل دهند اگر به همین صورت ادامه پیدا کند صد درصد شاهکارهای جدیدی خواهیم بود. با توجه به اینکه دستگاه‌هایی که تولید می‌شوند و به بازار عرضه می‌گردند قابلیت‌های خیلی بالایی را دارند. اخیراً خودم یک پنل کار بدون پشت‌ریز را زده‌ام. یک ذره، چیزی در حد ۵ الی ۶ درصد کیفیت رنگ‌ها فرق می‌کند ولی چون دستگاه‌های جدید همان‌طور که مطرح شد یک نخ ملانژ را دارد و می‌تواند این نخ را بگیرد آمده‌ام یک نخ ملانژ به ۱۱ رنگ اضافه کرده‌ام که ۱۲ رنگ شده است. نخ دوازدهم نخ نامرئی است و این نخ، نخ‌ها را از پشت می‌گیرد البته خیلی مانند پارچه‌های عادی نشده است، ولی چون هزینه‌اش سنگین تر

است همه کس از عهده آن برنمی‌آید. یک نمونه را زده‌ام و مطمئن هستم که این کار بعدها استفاده خواهد شد. این موضوع را تجربه کرده‌ام که در ابتدا طرح‌ها و کارها مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و بعد به مرور زمان که متوجه شده‌اند اقبال خوبی را در پیش روی خواهد داشت از آن استفاده کرده‌اند. اگر این کار انجام شود و پشت‌ریز تمام شود طبیعتاً خیلی کاربردها بیشتر می‌شود. در حال حاضر ترمه را بیشتر برای پرده می‌پسندند ولی به علت اینکه آستری باید داشته باشد و پارچه مقداری کلفت و سنگین می‌شود برایشان سخت است که اگر طرح بدون پشت‌ریز اجرا شود استفاده از ترمه در پارچه‌های پرده‌ای بیشتر خواهد شد. شرکتی اخیراً برای پرده‌های هتل بزرگی مراجعه کرده بود که حتی آرم شرکت را آورد و در طرح منظور کردیم و تنها خواسته‌اش این بود که راهکاری را برای سنگینی پرده ارائه دهیم و این کار نشدنی بود و ناچار شد از ترمه برای پنجره‌های کوچک استفاده کند و اگر برای ترمه این اتفاق بیفتد و از آن استفاده کنند فکر می‌کنم که مقدار زیادی راه برای پیشرفت باز می‌شود. طرح هم در حال حاضر دارد در سطح دنیا شناخته می‌شود که ما فروش خارجی و صادرات داریم و تورسیم‌های زیادی مراجعه می‌کنند با اصطلاح ترمه که کلمه فارسی آن را یاد گرفته و خواهان آن هستند و این نشانه خوبی است و امیدوارم اتفاقاتی خوبی را در این زمینه شاهد باشیم. ■